

# بچه‌های ماه

فصلنامه آموزشی، سرگرمی و اطلاع‌رسانی مؤسسه مهر امام هادی (ع)  
پاییز ۱۳۹۶ شماره چهارم قیمت ۱۵۰۰ تومان

رسد علم به ملکین  
بالحسنه



# السَّلَامُ عَلَى الْمُنْفَرِدِ بِالْعَرَاءِ

سلام بر کسی که تک و تنها در بیابان های کربلا مانده بود.

سلام می کنم به محرم و خون هایی که بر روی سنگ های داغ کربلا نقش بسته است . سلام بر حسین(ع) پسر زهرا (س) که در یک سوی میدان با قامتی استوار ایستاده بود و در آن سو لشکری بزرگ و انبوه در برابرش صف کشیده بودند او که جز آتش و تشنگی دستی به یاریش نیامد تا این که زمین از خون او و یارانش رنگین شد و در روز دهم محرم سال شصت و یک هجری در صحرای سوزان کربلا شهد شهادت را نوشیدند. محرم از دوران بت پرستی بوده است اما با حسین محرم محرم شد. باز هم در محرم باران بر گونه های خیس رهگذران می بارد وحس و حال دیگری به آنان می بخشد، دوباره ابر شروع به گریستن می کند و چند روزی مهمان کوچه های تاریک ماست می خواهم من هم در محرم زیر بارش اشک آسمان قدم بزنم و دوباره آن روزها را به یاد بیاورم. در محرم آسمان که هیچ حتی رود ها هم از دلتنگی اش مرثیه می خواندند و عزادار بودند کاش به یاد داشته باشیم برای شهادت حسین (ع) در محرم آتش و گرمایی در دل شیعیان است که هرگز سرد و خاموش نخواهد شد و این عاشورا درس بزرگی از ایثار و فدا کاری بود درس محبت و عشق و ایمان پس ما بکوشیم تا این درس ها را بیارموزیم و ستون محکم دینی که با مجاهدت و شهادت بهترین اهل بیت رسول اکرم (ص) به دست ما رسیده استوار تر و محکم تر سازیم.

## سخنان حضرت زینب(س) در مجلس ابن زیاد

حضرت زینب (س) فرمودند: «الحمد لله الذی اکرنا بنبیہ»... خدا را شکر که ما را گرمی داشت، پیغمبر را از میان ما قرار داد و ما از خاندان پیغمبر هستیم.

آن کسی که در جبهه ی نظامی شکست می خورد رسوا نشده است، معیار رسوایی چیز دیگری است معیار رسوایی حقیقت جویی و حقیقت طلبی است آن که در راه خدا شهید می شود رسوا نشده رسوا کسی است که ظلم و ستم می کند، رسوا آن کسی است که از حق منحرف می شود ملاک رسوایی و غیر رسوایی این است، این طور نیست که اگر کسی کشته شد پس حرفش دروغ بوده است معیار دروغ و راست بودن خود انسان است ایده انسان است حرف و عمل انسان است حسین من کشته هم بشود راست گفته زنده هم بماند راست گفته، تو( منظور ابن زیاد است) کشته هم شوی دروغگو هستی زنده هم بمانی دروغگو هستی ...

آرام آرام به طرف حرم حرکت می کردم چشمانم به گنبد طلایی رنگش که همانند خورشید می درخشید افتاد.

سلام دادم و وارد حرم شدم آنقدر محو تماشای گنبد شده بودم که نفهمیدم چطور صحن حرم را پشت سر گذاشتم ناگهان بایک جمعیت خیلی زیاد روبرو شدم غلغله بود مجال انجام کاری نبود نمی دانم در آن شلوغی چطور به ضریح رسیدم از پیش به خودم قول داده بودم هر وقت چشمانم به ضریح افتاد هر آرزویی که دارم را به زبان بیاورم تا به همه آن ها برسیم اما گویا زبانم بند آمده بود نمی توانستم چیزی بگویم فقط و فقط به ضریح خیره شده بودم و گوش هایم پر از حاجت و آرزوهای زائران اطرافم بود که نگاهم دوباره به ضریح افتاد خودم را سرزنش کردم و شرمنده بودم که این همه سال گرفتار دنیا و آرزوهایش بودم و فراموشم شده بود چه معنویتی در این حرم موج می زند خجالت می کشیدم سرم را بالا بگیرم و حاجتم را بر زبان بیاورم...

باهمان چشمانی پراز اشک و گوش هایی که صدای خادم حرم را می شنید که می گفت دختر خانم سریعتر فقط توانستم بگویم: «السَّلَامُ عَلَیْکَ یا غَرِیْبَ الْغُرْبَا یا مُعِیْنُ الضُّعْفَا اِشْفَعْ لَنَا فی الْجَنَّةِ...».

از حرم که بیرون آمدم حس و حال دیگری داشتم فکرمی کنم آقا دلم را خوانده بود،

احساس آرامش می کردم همان آرامشی که سال ها منتظرش بودم آرامش قلبم

این بهترین هدیه ای بود که از آقا گرفتم... با صدای مادرم که می گفت:

پاشو نماز صبح ات رابخوان از خواب پریدم... یک لحظه باخودم گفتم

اینجا، یادم آمد اینجا خانه مان است... وضو گرفتم و به نماز ایستادم

با اینکه در رویا بودم حس خوب آرامش را داشتم. آماده شدم تا به

مدرسه بروم، سر صف متوجه شدم که امروز روز یکشنبه ۲۸ آبان ماه

سال ۱۳۹۶ مصادف با شهادت امام هشتم حضرت علی بن موسی الرضا

(علیه السلام) است، قلبم لرزید قطره ای اشک از چشمانم سرازیر شد.

زینب خدابخشی

## می شنوم کم کم بوی محرم را

می شنوم سوز صدای عالم را	می شنوم کم کم بوی محرم را
می روی انگار به سوی خیمه هایت	می آید از دور صدای گام هایت
درون خیمه ای کودکي جا مانده است	در دل هر خیمه آتشی افتاده است
زبان کوچکش قطره ای آب را نچشید	علی اصغرت شش ماهه شد شهید
کسی ندید رفتنش را به آسمان	رقیه شد اسیر میان ظالمان
داغ عباس و زینب دیده این دشت پر بلا	چه دیده و چه کشیده این زمین کربلا
ظالمان سر هایشان نیزه کرد	آسمان از داغ اکبر خون گریه کرد
تنها تو بودی و یک سپاه از دشمنان	یک نفر هم یادت نبود در آن زمان
هنوز هم دل های ما برای تو می تپد	هنوز هم طنین صدایت در محرم می پیچد
می ریزیم تمام دنیا را به پاهایت	نمی روی زیاد ما تا قیامت

معصومه رضایی



# کربلا



## شعر امام سجاد (علیه السلام)

ای شیعیان بیاید امشب  
کنارخونه ی عممون زینب  
همه باهم لباس غم بپوشید  
به عممون زینب تسلیت بگویید  
که عمه زینب دیگر بریده  
چون عبدالملک به آرزوش رسیده  
زهر جفایش این بار اثر کرد  
امام باقر را او بی پدر کرد  
عزای آقازین العابدین است  
شهادت سیدالسّاجدین است  
شهید زنده کربلا بود  
دلش خون از غم شام بلا بود  
هر کجا آب میدید  
به یاد جگرسقا بود  
تا نفس داشت  
فقط گریه کن بابا بود  
حال اینک به آرزوش رسیده  
توبقیع کنار عموجونش خوابیده  
امینه کریمی



## تولد دوباره

میتواند خدا باشد چه زیباتر می شود وقتی  
 تو در این راه عاشقش بشوی... زندگی  
 برای تو معنی دیگری پیدا می کند هیچ چیز  
 برای تو سخت نیست چون تو میدانی  
 خدایی بزرگتر از سختی داری خداوندی که  
 همیشه با تو هست...  
 قلبم تند میزد با هیجان گفتم چطوری...  
 چطوری باید عاشق خدا بشوم؟؟!!!  
 ادامه دارد ...

رویا محمودی

ولی ... که ناگهان پسر بچه ایی با پاکت  
 شکلاتی در دست حرف خانم مرادی را  
 قطع کرد پسر بچه با لبخند شکلات ها را به  
 سمت من و سپس به سمت خانم مرادی برد  
 با تعجب شکلاتی برداشتم خانم مرادی با  
 لبخند گفت پسرم قبول باشه و پسر بچه  
 با تبسمی بر لب از مادور شد. خانم مرادی:  
 خب کجا بودیم... آها... ما هرگز نمی میریم  
 خداوند ما را برای جاودانگی آفرید برای  
 زندگی ابدی و عزیزم ما پا به این جهان  
 گذاشتیم تا مسیر زندگی خود را انتخاب  
 کنیم خداوند برای اینکه گمراه نشویم  
 پیامبران و جانشینانش را برای هدایت  
 مردم فرستاد همچنین کتاب های آسمانی  
 همانند قرآن... همه این ها فقط برای این  
 هست که ما به سمت رستگاری و خوبی ها  
 برویم خانم مرادی کمی مکث کرد ... با دو  
 دلی گفتم : مسلماً انجام این دستورات کمی  
 سخت است و نمیدونم چی بگم واقعاً گیج  
 شدم... خانم مرادی تبسمی بر لبانش نمایان  
 شد با دست شانه ام را فشرد و به آرامی  
 گفت: برای خودت یک هدف انتخاب کن،  
 یک هدف بزرگ که در راه رسیدن به آن  
 تبدیل به انسان بزرگی بشوی هدفت مثلاً





## علمی:

### ترکیب نشدن آب دو دریا با یکدیگر در قرآن:

اقیانوس شناسان به تازگی کشف کرده اند که وقتی دو دریا به هم می رسند با یکدیگر ترکیب نمی شوند آب دودریای همسایه به دلیل وجود نیروی کشش سطحی ترکیب نمی شوند. آب دریاهاى مختلف غلظت های متفاوتی باهم دارند و کشش سطحی ایجاد می کنند گویی که دیواره نازکی بین آن دو برپا شده است. در اقیانوس اطلس جریان آب شیرینی وجود دارد که آن را گلف استریم می نامند این جریان عظیم از سواحل آمریکای مرکزی حرکت می کند و سراسر اروپا را طی می کند و به سواحل اروپای شمالی می رسد.

حرارت آن با آب های اطرافش ۱۰ تا ۱۵ درجه تفاوت دارد و در آنجا هزاران کیلومتر آب وجود دارد که با آب های اطراف خود مخلوط نمی شوند.

در شهر توریستی اسکاگن در دانمارک درجایی که دریای بالتیک و شمالی به هم می پیوندند این پدیده دیده می شود.

در سوره الرحمن آیات ۲۱، ۲۰، ۱۹ به این موضوع اشاره شده است:

ترجمه آیه ۱۹: دودریا را به گونه ای روان کرد که باهم برخورد کنند.

آیه ۲۰: اما میان آن دو حد فاصلی است که به هم تجاوز نمی کنند.

آیه ۲۱: پس کدامین نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟

آیه ۲۲: از آن دو دریا مروارید و مرجان خارج می شود.

بیشترین دلیلی که باعث وقوع چنین پدیده ای می شود غلظت شوری و شیرینی دریاهاست که

باعث جلوگیری از ترکیب آنها می شود. در آیات دیگری از قرآن از جمله سوره مبارکه فرقان

آیه ۵۳ و سوره مبارکه فاطر آیه ۱۲ و سوره مبارکه نمل آیه ۶۱ نیز به طور دقیق به این موضوع اشاره

شده است.



## دست هایی که کمک می کنند، مقدس تر از دست هایی هستند که دعا می کنند...

خودم بدم می آمد، مدام خودم را سرزنش می کردم و پیش خودم می گفتم ای کاش مرده بودم. تو همین حال و هوا بودم که به ایستگاه آخر رسیدیم و از اتوبوس پیاده شدیم و به سوی خانه راه افتادیم. مامان هم بسیار نگران بود ولی به روی خودش نمی آورد.

در نزدیکی خانه بودیم که با دیدن آن صحنه خشکمان زد. در حیاط خانه کاملاً باز بود یک موتور سیکلت هم دم در بود. قدم هایمان را تندتر کردیم و با نگرانی وارد خانه شدیم. حدسمان درست بود صاحبخانه مستأجر آورده بود تا خانه را ببیند... صاحب خانه و مستأجرها بعد از دقایقی رفتند. لباسهایم را عوض کردم و وارد پذیرایی شدم، خواهرم کنار مادرم نشسته بود و پاکتی در دستش بود و آن را به سمت مادرم گرفت و گفت: وقتی شما نبودین یک آقای آمده دم در و یک سری سؤال پرسیده و این پاکت را داده تا بدمش به شما... پاکت را باز کردیم مقداری پول نقد داخلش بود. مامان با اینکه به آن پول نیاز داشتیم اول خرجش نکرد. گفت آدم هر چقدر هم تشنه باشد که از هر آبی نمی خورد. باید ببینیم این پول از کجا آمده؟

- خانوم اسدی ۳۹۷۲۰۰ تومان به باجه ۳ ... این صدای یکی از کارکنان داروخانه بود که از بلندگوی داروخانه به گوش می رسید. با شنیدن قیمت دارو خشکم زد مامان هم همین طور، ولی مامان خیلی زود خودش را جمع و جور کرد و در باجه حاضر شد و از کارمند داروخانه خواست که تعداد کمی از هر داروی تجویز شده داخل کیسه بگذارد. چون پولش نمی رسید همه اش را بخرد. به هر حال همه ی پولی که بابت مخارج خانه کنار گذاشته بود صرف خرید داروهای من شد...

به سختی راه می رفتم، پاهایم دیگر توان نداشت، بالاخره و به سختی خود را به ایستگاه اتوبوس رساندیم... خدا را شکر هنوز آخرین اتوبوس حرکت نکرده بود. سوار اتوبوس شدیم تا به خانه برویم... توی راه گریه ام گرفته بود خیلی سعی می کردم جلوی اشک هایم را بگیرم ولی فایده ای نداشت ... همه ی مخارج خانه و حتی تمام پس انداز خانواده صرف درمان من شده بود... حالا چی به سر بقیه می آمد؟ ...هیچکس هم در این دوره و زمانه پول قرض نمی دهد؟ خدایا چه کار کنیم؟...از



برای نجات مردم حرکتی یا کاری هر چند کوچک انجام می دهند و نه شاید دست هایی که هرگز به گناه آلوده نمی شوند و یا دست هایی که دست دیگری را می گیرند تا با هم بتوانند برای پیشرفت در زندگی قدمی بردارند و نه مقدس ترین دست ها ، دست هایی هستند که به گونه ای به یاری دیگران می روند که دست دیگر خبر نمی شود. و نه مقدس ترین دست ها، دست های پروردگاران است که همیشه نوازشگر بندگانش هست و ما متأسفانه آن را نادیده می گیریم...

راضیه قربانی

دنبال آن شخص گشتیم تا بفهمیم که چه کسی بوده ...ولی هیچ اثری ازش نبود...و آخرم نفهمیدیم کی بود...انگاری که یک نفر از غیب آمده باشد.

مامان بعد از مدتی پول را خرج کرد راستش مجبور بود و چاره ای نداشت. مدتی با آن پول زندگی مون گذشت تا اینکه کاری پیدا کردیم و مشغول شدیم. از آن زمان چند سالی است می گذرد...چند وقت پیش بر روی پروفایل یکی از دوستانم این جمله به چشمم خورد:

دست هایی که کمک می کنند، مقدس تر از دست هایی هستند که دعا می کنند... با دیدن این جمله اشک از چشمانم جاری شد و ماجرای چند سال گذشته برایم زنده شد. مامان می گفت: خداوند همیشه هوای بنده هایش را دارد این ما هستیم که چشمانمان را می بندیم و آن را نادیده می گیریم. فکرم هنوز در گیر جمله ای است که دیدم به راستی چه دست هایی مقدس تر هستند...شاید دست های ائمه(ع) ، شاید دست های مادران شهید که به جای فرزندانمان فقط عکس و سنگ مزارشان را در آغوش می کشند شاید هم دست هایی که



## مصاحبه با آدم فضایی

در یک سفر علمی به عنوان خبرنگار گروه حاضر شده بودم. یکی از کویرهای ایران پذیرای حضور ما در این سفر چندروزه بود. در یکی از روزها که برای قدم زدن از گروه فاصله گرفته بودم، ناگهان با یک موجود عجیب و غریب که بعد از کمی گفتگو متوجه شدم آدم فضایی است مواجه شدم. فرصت را غنیمت شمردم و خواهش کردم که با ایشان مصاحبه کنم و خوشبختانه با این درخواستم موافقت کردند.

- قطعاً در زمین زندگی نمی کنید می توانم بپرسم چرا به زمین سفر کردید؟

- چند صد سال پیش یکی از مأمورانمان را برای پژوهش به زمین فرستادیم اما چندسالی هست خبری از او نداریم مرا برای جستجوی مأمورمان فرستادند.

- مأمورتان را برای چه پژوهشی فرستادید؟

- انسان در طی قرن ها در حال رشد و گسترش است. پیشرفت های انسان برای ما مهم است.

مأموری برای زیر نظر داشتن تحرکات انسان فرستادیم.

- چرا تحرکات و پیشرفت های انسان برای شما مهم است؟

- همانطور که گفتم انسان در حال رشد و گسترش است و در حال حاضر آنقدر پیشرفت کرده است

که بروی کرات مختلف زندگی می کند خب برای ما مهم است که از وجود ما پی نبرد.

- در زمین از نظر علمی حیات شما ثابت نشده است اما به جرئت می توانم بگویم همه ی انسان ها

وجود شما را باور دارند و معتقدند شما در جایی از دنیا زندگی می کنید با این وجود چرا نگران

اثبات شدنتان توسط انسان ها هستید؟

- شما انسان ها موجودات کنجکاو هستید ما می دانیم که اکثر شما به حیات ما اعتقاد دارید اما

سابقه ی شما برای ما زنگ هشدار است.

- اگر منظور تون از سابقه ی انسان ها در مورد خسارات و زیان هایی است که به طبیعت وارد کرده

است باید بگویم حرف شما درست است این را هم باید بدانید که در زمین هم انسان های خوب

و طبیعت دوست وجود دارد، هم انسان هایی که فقط به منافع خودشون فکر می کنند.

- بله حرف شما منطقی است اما متأسفانه انسان های پلید و بدصفت قدرت را در زمین به دست

گرفته اند و باز هم متأسفانه تعداد انسان های پاک و خوب کم است.

- راستی شما در جواب سؤال اول من فرمودید شما را فرستادند...



دولت و یا سرپرست دارید؟

- بله ما هم دنیایی شبیه به دنیای شما داریم و رئیس جمهور، وزیر، مشاور، دکتر، مهندس، فرزند، خانواده و... در دنیای ما نیز وجود دارد.

- یعنی با ما انسان ها از نظر شیوه زندگی تفاوت زیادی ندارید؟

- بله کاملاً درسته، همانطور که گفتم شخصی به عنوان رئیس جمهور داریم و وزیران و مشاورانی که در اداره قلمرو خود کمک می کنند. پزشکانی داریم که سلامتی را به ما باز می گردانند و مهندس هایی که برای سکان زندگی ما بسیار زحمت می کشند و پلیس هایی که برای آسایش هر چه بیشتر ما فداکاری می کنند ما هم مانند شما ازدواج می کنیم و صاحب فرزند می شویم.

- ما در زمین فیلم هایی به عنوان آدم فضایی و دنیایتان ساخته ایم در این فیلم ها دنیای شما بسیار پیشرفته است، آیا این ساختار ذهنی که فیلم سازان برای ما درست کرده اند صحت دارد؟

- بله حتی خیلی پیشرفته تر از آن تصوراتی که دارید.

- چطور ممکن است !!؟؟

- شما انسان ها فقط چند صد سال است که به تکنولوژی دست پیدا کرده اید این در حالی است که ما خیلی پیشتر از شما به آن دست یافته ایم و تا به حال پیشرفت های چشمگیری داشته ایم.

- و در آخر نظر شما در مورد انسان ها چیست؟

- انسان ها موجودات عجیب و کنجکاو و دارای روحیه جاودانه هستند.

طیبه مرتضوی



## باهم بسازیم:

### جامدادی نمدی

طرح مورد نظر خود را روی روزنامه کشیده و برش میزنیم و سپس الگوی مورد نظر را روی نمد گذاشته و برش میزنیم (برای تکان نخوردن الگو هنگام برش از سوزن ته گرد استفاده کنید). بعد از برش الگوی مورد نظر زیپ را به لبه ها میدوزیم، سپس دورتا دورکار را با نخ امامه (نخ مخصوص دوخت نمد دوزی) دندان موشی میدوزیم. در مرحله ی بعد دیگر قسمت های الگوی کشیده شده مانند چشم و دهان و... که از قبل برش زده بودیم با چسب حرارتی به جامدادی می

چسبانیم.

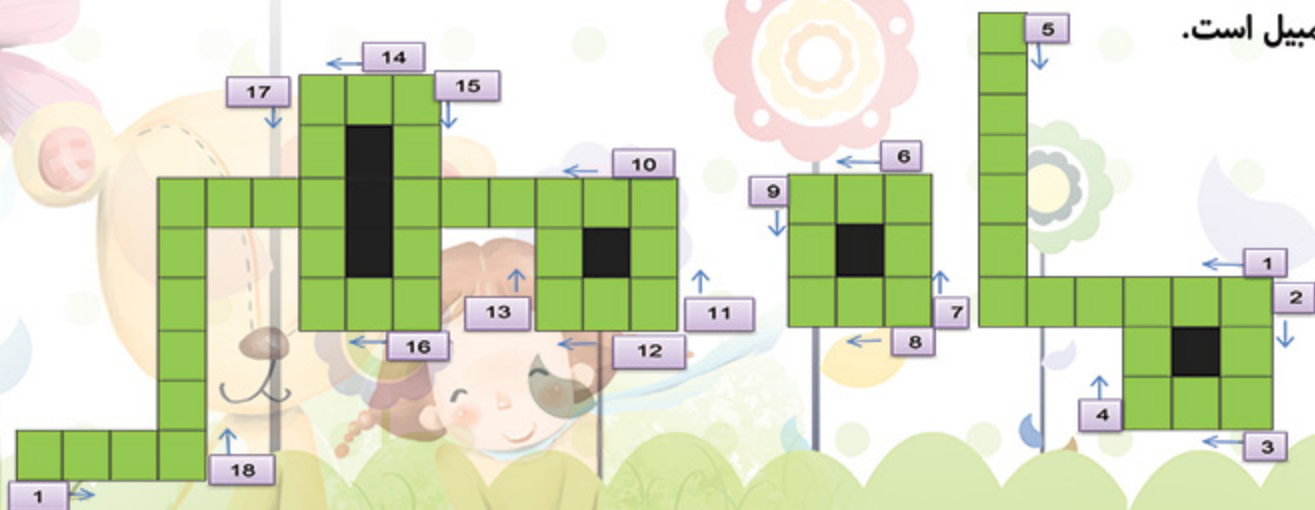


- کره زمین از ۱۰۲ عنصر به وجود آمده و این ۱۰۲ عنصر در بدن انسان وجود دارد.
- اثر سیب در بیدار نگه داشتن افراد در شب بیشتر از قهوه و کافئین است.
- هر فرد هنگام غذا خوردن بطور متوسط ۲۹۵ بار عمل بلعیدن را انجام می دهد.
- تعداد چشمان عقرب ها به ۱۲ عدد می رسد.
- فاصله سطح کره زمین تا مرکز آن حدود ۶۳۷۰ کیلومتر است.
- به طور متوسط مردم آنقدر از عنکبوت ها میترسند که نمی توانند آن ها را بکشند.
- یک نوع پشه وجود دارد که در ثانیه ۱۰۰۰ بار بال میزند.

آمنه کریمی

## \* جدول

- ۱) نام بیماری التهاب کبد چیست؟
- ۲) بزرگترین بت مشرکین در کعبه بود؟
- ۳) واحد پول کشور ترکیه است؟
- ۴) جامه ای را روی جامه دیگر بپوشند را ..... گویند.
- ۵) خواجه عبدالله انصاری معروف به ..... است.
- ۶) طلای سیاه است.
- ۷) وسیله ای که در میدان جنگ منفجر می شود؟
- ۸) علف خواری که بی مهره است؟
- ۹) محمد علی جمال زاده نویسنده کتاب ..... و شیرین است.
- ۱۰) نام یکی از آثار غلام حسین یوسفی است.
- ۱۱) یکی از عناصر آب ژاول است.
- ۱۲) نام اتومبیل است.
- ۱۳) از دوزیستان بی دم است.
- ۱۴) خزنده ای که حس بویایی اش نسبت به سایر حس ها قوی تر است.
- ۱۵) حکم سلام کردن به کافر چیست؟
- ۱۶) فشار ..... را با دستگاه فشار سنج اندازه گیری میکنند.
- ۱۷) نام کتاب دکتر محمد علی اسلامی ندوشن است-از دست و.... که برآید/کزهده شکرش به درآید
- ۱۸) یکی از اسیدهای آمینه ای که باعث تقویت سیستم ایمنی می شود.
- ۱۹) نام روستایی که امام موسی بن جعفر(ع) به دنیا آمده است.



مواد لازم:

آرد	۲ پیمانه
شکر	۲ پیمانه
موز	۱ عدد
آب	۲ پیمانه
روغن	۱ پیمانه
گلاب	نصف پیمانه
پودر کاکائو	یک قاشق غذاخوری
زعفران	نصف قاشق چای خوری
پودر هل	یک قاشق چای خوری

طرز تهیه:

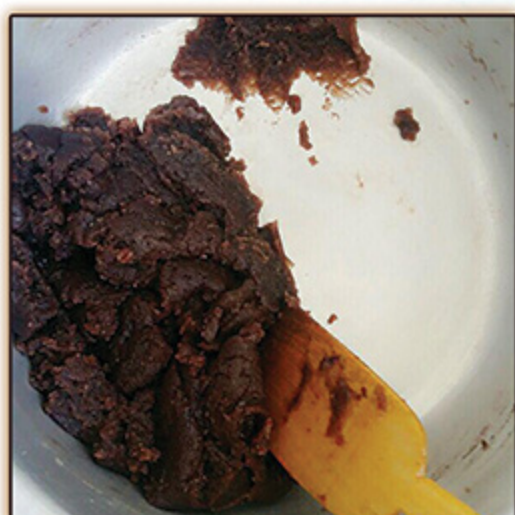
آرد و روغن را با هم مخلوط می کنیم و روی حرارت ملایم قرار می دهیم و هم میزنیم تا رنگ آن تغییر کند سپس هل را به آن اضافه می کنیم. مخلوط آرد و روغن را از روی حرارت بر میداریم و شربتی را که از قبل آماده کرده ایم را به آن اضافه می کنیم و سپس آن را روی حرارت کمی هم میزنیم. حلوای آماده شده را به دو قسمت تقسیم می کنیم به یکی زعفران و به قسمت دیگر پودر کاکائو اضافه می کنیم. توجه داشته باشید که باید حلوای داغ باشد. حلوای داغ را روی کاغذ روغنی یا یک کیسه ی فریزر با وردنه پهن می کنیم سپس اضافات آن را جدا کرده و حلوای را به صورت مستطیل در می آوریم.

حلوای زعفرانی و کاکائویی را روی هم قرار داده و یک موز در وسط آن قرار می دهیم و به آرامی آن را رول می کنیم. می توانیم باقی مانده ی حلوای را به وسیله ی قیف به صورت گل یا هر شکلی که دوست دارید در بیاورید. حلوای رولتی را بعد از سرد شدن می توانید سرو کنید.

طرز تهیه شربت:

آب و شکر را با هم مخلوط می کنیم و روی حرارت قرار می دهیم و زمانی که مخلوط به جوش آمد گلاب را به آن اضافه می کنیم و می گذاریم تا قوام بیاید. سمیرا انصاری





با تکمیل کردن این عکس از مؤسسه جایزه بگیرید



## بچه‌های ماه



سردبیر: نسیم قربانی

اعضای تحریریه: زکیه کریمی، آمنه کریمی، رویا محمودی  
زینب حسینی، طیبه مرتضوی، راضیه قربانی، خدیجه حسینی  
سمیرا انصاری، الهام حسینی، ملیحه حسینی، امینه کریمی  
معصومه رضایی زینب خدابخشی، فاطمه خدابخشی

ویراستار: خواجه ثیان

شما می‌توانید در این زمینه‌ها فصلنامه بچه‌های ماه را یاری نمایید:  
داستان کوتاه، شعر، عکس، خاطرات خودتان و یا خانواده‌تان...  
مطالب ارسالی باید متناسب روحیه کودکان و نوجوانان باشد.

تلگرام: @NASLmah

ایمیل: 313zahraabdi@gmail.com



دوستان می‌توانند عکسهای خود را از طریق تلگرام به آدرس ( @NASLmah ) ارسال نمایند.

